

۹ آوریل ۲۰۲۶ - ۲۰ فروردین ۱۴۰۵

در حاشیه افاضات اخیر یک جنگ طلب دو آتش!

خالق حاج محمدی

در شرایطی که واقعیات سخت و خشن جنایات جنگی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، جهانی را علیه جنگ طلبی ترامپ به میدان آورده است و جنگ طلب ترین دولت ها و قدرت های قرن، از ناتو تا قریب به اتفاق کشورهای غربی، تلاش میکنند از ترامپ و منجلابی که براه انداخته است فاصله بگیرند، و حتی کسی چون عبدالله مهتدی که آماده سازمان دادن ارتش زمینی برای "بی بی" و ترامپ بود را هم در دفاع از این حملات "فعلات" به سکوت و "کناره گیری" موقت کشانده است، در اپوزیسیون جنگ طلب ایران، جز رضا پهلوی و آقای حمید تقوایی کسی در میدان به جای نمانده است تا پایه پای "بی بی" برای این جنگ "جانفشانی" کند.

حمید تقوایی در نوشته ای به تاریخ ۱۷ فروردین ۱۴۰۵، (۶ آوریل)، زیر عنوان "پاسخ مردمی به جنگ سرنگونی جمهوری اسلامی است"، میگوید:

"مردم نگران بقای حکومت هستند و نه بقای زیر ساختها. مردم خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند و روند و تحولات جنگ را با معیار نزدیک شدن رژیم به سقوط می سنجند و نه با معیار ضربه خوردن زیرساختها و یا هیچ معیار دیگری. و این تشخیص کاملا درستی است."

تعجب نکنید! تقوایی مشق هایش را "از روی دست" ترامپ، که به جهانیان اعلام کرد که مردم ایران می گویند که "بمب بریزید! بیشتر بزنید و مقابل خانه هایشان را می زنیم میگویند ما خوشحالیم و .."، کپی مطابق اصل اما "ناشیانه" ای کرده اند!

"ناشیانه"، به این دلیل که افکار عمومی در جهان و در ایران را "ابله" به توان هزار انگاشته است، که متوجه نشوند که این افاضات نه "چپ" است و نه اساسا کمترین نزدیکی به کمونیسم و کارگر و جنبش سوسیالیستی دارد. تقوایی چنان همگان را مهجور پنداشته است که نمی فهمد زنگ پروپاگاندا جنگ طلبی ترامپ و صهیونیسم این افاضات برجسته تر از



مردم ایران، جنگ، آتش بس و مذاکره

پس از چهل روز جنگ و بمباران همه جانبه ایران توسط امریکا و اسرائیل، جنگی که با مقابله ایران دامنه آن علاوه بر اسرائیل و لبنان، همه کشورهای حاشیه خلیج را در بر گرفت، بامداد چهارشنبه ۸ آوریل توافق ایران و امریکا با آتش بس ۱۵ روزه اعلام شد. همزمان ترامپ آمادگی دولت خود را برای مذاکره بر مبنای طرح ۱۰ ماده ای ایران را اعلام کرد و اسرائیل نیز اعلام کرد که همراه آمریکا به جنگ پایان خواهد داد.

اعلام آتش بس و نفس توقف، هرچند موقت، جنگ، موجی از شادی در میان مردم ایران، منطقه و جهان را به همراه آورد. شادی و امید به پایان جنگی که تا کنون لطمات جبران ناپذیری را به مردم ایران، لبنان، اسرائیل، عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس زده و مردم جهان را در شوک و نگرانی عمیق فرو برده است، اولین عکس العمل مردم بشر دوست در سرتاسر جهان بود. توقف جنگ جنایتکارانه ای که دولت اسرائیل و امریکا، و در راس آن ترامپ و نتانیاهو، برای تأمین اهداف ارتجاعی خود و به بهانه های واهی به مردم ایران و منطقه تحمیل کردند.

این جنگ و مخاطرات آن، تهدیدهای هر روز دو دولت جنگ طلب اسرائیل و امریکا، تهدیدات و عربده کشی های ترامپ مبنی بر یا

صفحه ۵

شرایط جنگی و جوخه های مرگ

جنگ و بمباران ایران توسط جنایتکاران حاکم بر اسرائیل و امریکا، مستقل از عواقب ترسناک و غیر قابل جبران آن برای مردم ایران، دست جمهوری اسلامی را در سرکوب مردم باز کرده است.

حمله به ایران و جنگی که امروز دیگر مستقیم زیر ساختهای جامعه ایران، نفت و گاز، برق، بیمارستان ها، دانشگاه ها، مدارس، مراکز پزشکی و درمانی، کارخانه ها، پلها و ترانسپورت و اماکن عمومی و ... را نشانه گرفته است، همزمان فرصتی برای جمهوری اسلامی، برای

صفحه ۴

انتقام دولت فاشیست اسرائیل از مردم لبنان

امان کفا

پس از اعلام آتش بس و قبل از مذاکرات ایران و آمریکا در اسلام آباد، دولت اسرائیل با بمباران فرشی شهرها و اماکن عمومی در لبنان، دست به جنایتی بیسابقه زد. بمبارانی که نسبت به بمبارانها، کشتارهای و حملات اسرائیل به این کشور، بیسابقه اعلام شده است. اینبار اسرائیل وحشیگری و کشتار جمعی خود را دیگر محدود به جنوب لبنان و مراکزی که اسرائیل آنها را سنتا تحت نام "مراکز حزب الله"، بعنوان اهداف مشروع بمبارن خود اعلام می کرد، نبود. اینبار بیروت و حومه

صفحه ۴

آن است که بتوان با هیچ شعبده بازی از این کلاه خرگوش چپ و کمونیسم و کارگر بیرون آورد!

بیشتر بخوانید: تقوایی در این نوشته که همزمان است با تهدیدهای و التیماتوم ترامپ مبنی بر "بازگرداندن ایران به عصر حجر" و "نابودی ایران در ۲۴ ساعت" است، او هم علیه "جنبش ضد جنگ" می‌تازد و با تاکید بر اینکه مردم ایران خواهان ادامه جنگند، می‌گوید:

"این وضعیت نیروهای ضد جنگ را به تکاپو تازه ای واداشته است و از محکومیت بمباران پلها و نیروگاهها تا ضرورت آتش بس بی قید و شرط و تا ابراز مخالفت با زدن زیرساختها از جانب مردم به مرکز گفتگوها بدل شده است."

"نفس قطع اینترنت از جانب حکومت دلیلی بر اینست که مردم بیشتر علیه حکومت هستند و نه علیه جنگ و در صورت آزادی اینترنت فضای مجازی اساسا ضد رژیم خواهد بود و نه ضد آمریکائی-اسرائیلی. رژیم باید بسیار احمق باشد که اینترنت را به روی مردم صدمه دیده از جنگ و مخالف تهاجم نظامی به ایران ببیند.... بخش بالایی از مردم بدست نگران پایان جنگ و در قدرت ماندن جمهوری اسلامی هستند.

تقوایی با این "شاهکار" اخیر، جایی که در میدان جنگ طلبی در جهان و در میان راست ترین قدرت ها و جنبش های سیاسی، از لشکر جنگ طلبان تنها ایشان و رضا پهلوی در کنار "بی بی" و ترامپ" باقی مانده اند و بقیه خود را مخفی کرده اند ، تنها سیمای واقعی خود و جریانش در نفرت از جنبش ضد جنگ، را به شکل مشمئز کننده ای به نمایش گذاشته است.

تقوایی چون هر ترامپیست چهار آتش، خواهان ادامه جنگ و بمبارانی است که جهانی را در ترس و نگرانی فرو برده است. این در شرایطی است که بعد از موفق نشدن "پروژه های ترامپ" و ناکامی های او و نتانیاها در این جنگ، علاوه بر موجی از اعتراضات به جنگ در سراسر جهان، در میان طیف مدافع حمله نظامی به ایران موج پشیمانی شروع شده است. او حتی قادر نیست در کنار این "پشیمانان" فرصت طلب و "واقع بین" هم قرار گیرد! دلیل آن نمی تواند چیزی جز "بسته بودن" راه برگشت و عقب نشینی بر روی سازمان و حزبی باشد که بنام چپ، کارگر و کمونیسم پشت "بی بی" و ترامپ، دست به سینه در خدمت است! جنبش چپ، کارگری و کمونیستی ایران، چنین فرصتی به ایشان نمی دهد! این تنها دلیل نپیوستن ایشان به صف "پشیمان شدگان" و "واقع بین شدگان" در جبهه راست است!

شمشیر بستن حمید تقوایی علیه جنبش ضد جنگ و هذیان گویی او در دفاع از اسرائیل و امریکا به نام سرنگونی طلبی، اعلام رسمی نفرت از دهها میلیون انسانی است که در همین مدت در دفاع از مردم ایران و منطقه، علیه جنگ و بمباران و کشتار، در سراسر جهان دست به اعتراض زدند.

نوشته تقوایی در مورد این جنگ مستقل از استدلالهای بی پایه و آسمان ریسمان کردنهای عجیب و غریب او به نام "لزوم سرنگونی جمهوری اسلامی"، بیان روشن و بدون لکننت زبان سیاست اولترا راست و ضد انسانی حزبی است ایشان در راس آن قرار دارد.

تقوایی به روشنی با تکرار پروپاگاندا و ادعاهای جنگ طلبان حاکم بر امریکا و اسرائیل، با تکرار ادعاهای ترامپ، نتانیاها و نیابتی های آنها در اپوزیسیون جمهوری اسلامی، می‌گوید "مردم ایران خواهان ادامه بمباران و جنگ هستند". تقوایی میفرماید وقتی اینترنت قطع است گفتن اینکه مردم ایران خواهان پایان جنگ هستند، واقعی نیست و کسی نمیتواند برآورد کند مردم چه می‌گویند. کسی در سازمان شان که قرار است این استدلال ها را بپذیرد نیست از ایشان سوال کند که، اگر چنین است، پس جنابعالی بر چه اساسی می‌گویند مردم ایران خواهان ادامه جنگ و بمباران حتی مراکز غیر نظامی و زیر ساختهای اقتصادی مملکت هستند؟ منابع اطلاعاتی شما از اینکه مردم خواهان جنگ و بمباران خود و خانه و زندگی خود هستند، در شرایطی که اینترنت قطع است کدام است؟ بالاخره خوانند دم خروس را باور کند یا قسم حضرت عباس؟

تقوایی رندانه و همچون هم فکران خود، امثال رضا پهلوی، خاتم رجویی، عبدالله مهدی، شبرین عبادی، مسیح علینژاد و... خواست سرنگونی جمهوری اسلامی را مترادف با دفاع از حمله نظامی و بمباران ایران قلمداد میکند. گویا

هر کسی که خواهان رفتن جمهوری اسلامی است در بارگاه ترامپ و نتانیاها برای حمله به ایران و به خاک و خون کشیدن جامعه، التماس میکند! آقای تقوایی در اوج وقاحت مانند مسیح علینژاد که میگفت خانواده کودکان قربانی شده میناب ترجیح میدهند کودکانشان با بمبهای امریکا کشته شوند، چون بابت آن پولی پرداخت نمیکند، اعلام میکند که کشتارها و ویرانی ها راه رهایی مردم ایران است.

در این تصویر مردم ایران هیچ جایگاهی ندارند و سرنوشت آنها و آزادی آنها از بختک جمهوری اسلامی در دستان "پرتوان" سایکوپات و دیوانه حاکم بر امریکا و قصاب غزه حاکم بر اسرائیل، رهبران تقوایی، است. این ادعای حمید تقوایی و بیان آن به نام "ارزوی" مردم در ایران، شیدادی و اوج بی شرمی و بی شرافتی است. مردمی که تا کنون هزاران کشته داده اند، بیش از ۳ میلیون آواره و دهها هزار ساختماسکونی ویران و بیش ۲۵۰ کودک کشته داده اند، حتی اگر در شروع بخشی از آنها "متوهم" بودند و مستاصلانه انتظارات "مثبتی" از این حملات داشتند، را باید "بیماران روانی" پنداشت که خواهان ادامه این کشتار و جنایت باشند! باید آنها را از انسانیت تهی شده پنداشت که گفت "خواهان تخریب مدنیت شان، جامعه شان و زیرساخت های حیاتی زندگی شان"، و مهمتر تحمل این همه تحقیر و توهینی هستند که ترامپ و "بی بی" هرروز برسرشان می ریزند!

مستقل از هذیان گویی های تقوایی که با پر "سرنگونی طلبی" تزئین میکند، همچنانکه بارها تاکید کرده ایم، سرنگونی او از نوع انقلابات مخملی ناتو در سوریه و لیبی است، چیزی که حمید تقوایی در دفاع از آن، سالها است که در رکاب ترامپ و "بی بی" در کنار رضا پهلوی پا میزند. سرنگونی مد نظر تقوایی درست مانند همه جریانات اولترا راست، مانند جریانات باند سیاهی و ارتجاعی چون نوپهلوی ها، رجویی ها، مهدی ها و رهبران حزب پاک و جیش العدل و یک توجین جریان سناریویی سیاهی، بر دوش ناتو و پنتاگون و اسرائیل و سازمان سیاه و موساد، میگذرد.

این حقیقت جایگاه "رفیع" آقای تقوایی و حزب مطبوعش در تحولات سیاسی ایران را نشان میدهد. شانه بالا انداختن حمید تقوایی و پرت و پلاگویی دست راستی او نسبت به ترس و نگرانی صدها میلیون انسان در ایران و سراسر جهان از بمباران زیر ساختهای اقتصادی و اهداف غیر نظامی که حتی بر اساس قوانین بین المللی دولتهای حاکم و سازمان ملل آنها در ردیف جنایات جنگی قرار میگیرد، بیان ماهیت ارتجاعی، ضد اجتماعی و ضد انسانی این جریان است. چپ و کمونیسم و کارگر، لباس بشدت بی قواره ای بر تن جنبش سیاسی و نظامی و هیولایی است که امروز، جهانی را به لبه پرتگاه سقوط کشانده است.

حمید تقوایی در ادامه میگوید:

"جمهوری اسلامی هم بطور استراتژیک عامل و علت شکل گیری این جنگ است و هم بطور مشخص و تاکتیکی عامل تداوم آن."

این جملات از نتانیاها و ترامپ که جنگی جنایتکارانه و ترسناک را دو بار به مردم ایران و منطقه تحمیل کردند نیست. اینها را کسی میگوید که در کمال وقاحت پرچم قرمزی را بر سر درب حزبش آویزان کرده است.

اما پرچم و ادعاهای جریانات سیاسی محکی مناسب برای شناخت ماهیت آنها نیست. پراتیک اجتماعی و سیاست رسمی تقوایی و حزبی در یکی از خطرترین دوره تحولات ایران و منطقه و جهان به ما میگوید، آقای تقوایی و جریانش در جناح راست دولت ترامپ و نتانیاها قرار دارد.

مخالفت با جمهوری اسلامی و گفتن از جنایتکاری او، بیان انقلابیگری کسی نیست، همچنانکه سرنگونی طلبی خمینی و جریان اسلامی علیه حکومت پهلوی دال بر ماهیت انقلابی آنان نبود. کم نیستند انواع باندهای آدم کش و گانگسترهای نظامی که هر کدام برای دولتی مترجم تر از جمهوری اسلامی کار میکنند و خواهان رفتن جمهوری اسلامی هم هستند. اما هیچ درجه دشمنی با جمهوری اسلامی توجیه گر این درجه از جملیات به نام حقیقت از جانب تقوایی نیست.

امروز دیگر راست ترین رسانه های غربی هم نمیگویند عامل جنگ و تحمیل آن جمهوری اسلامی است. جنگ و حمله به ایران سرسوزنی به ماهیت ارتجاعی حکومت ایران و دفاع از مردم ایران مربوط نیست و اساساً برای آن نیست. برای امریکا هر دولت جنایتکاری که متحد او باشد، قابل قبول و "دمکرات" است و هر کس نباشد، دیکتاتور و تروریسم است. تروریست اسلامی سابق، جناب الشرع در راس سوریه، کسی که پیشتر امیر هیئت تحریر شام و امیر جبهه النصره بود، امروز به عنوان فرمانده کل و رئیس دولت جدید سوریه و متحد امریکا به "دیپلمات" و "دمکرات" تبدیل شده است! تروریستی که روزی که "دوست" نبود

و آمریکا برای کشتن او جایزه گذاشته بود، امروز دوست "دمکرات" و متحد آمریکا است.

جنگ آمریکا و جدال او دلایل عمیق تر و جهانی تر از پروپاگاند جنگی تقوایی دارد. این جنگ ناشی از موقعیت آمریکا در جهان معاصر و نزول این موقعیت بعد از نظم خونین جهانی به رهبری او است. نوشته تقوایی چیزی جز تکرار "پروپاگاند" های خود ترامپ و وزیر جنگش و نتانیاهو نیست. اینها را رسانه های دست راستی آمریکا و حتی کانال ۱۲ اسرائیل هم جسارت نمیکنند به عنوان "فکت" بیان کنند. کافی است تقوایی به جای فاکس نیوز گاهی حداقل سی ان ان را هم نگاه کند تا حرفهای غیر نثوکان های آمریکا را هم شنیده باشد. ما پیام تقوایی و هواخواهی او از اسرائیل و آمریکا را به روشنی دریافت کردیم، امری که نه جدید است و نه مایه تعجب! اما اجازه نمی دهیم ایشان با این پیام ها به اعتبار و موقعیت و خوش نامی جنبش کمونیستی و کارگری در ایران، صدمه بزند.

آقای تقوایی در انتهای مطلب آرزوهای خود را چنین فرموله میکند:

"بهترین شکل ختم این جنگ از نظر منافع مردم از هم پاشی کامل رژیم است. در صورتی که به هر دلیلی این امر صورت نگیرد دومین سناریو مطلوب از نظر منافع مردم تسلیم حکومت، یعنی پذیرش بی قید و شرط شرایط آمریکا است." (خط تاکید از من است)

این سیاست اعلام شده و هدف نتانیاهو از حمله و جنگ بود که امروز توسط حمیدتقوایی به نام "مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی" تکرار میشود.

سطر به سطر نوشته حمید تقوایی بوی تعفن میدهد! تقوایی انصافاً در این زمینه حتی از سران ارتش آمریکا و اسرائیل در دفاع از جنگ و بمباران و کشتار مردم ایران، دهن دریده تر، بی شرم تر و بی رحم تر سخن میگوید.

دلیل اینکه او تمایلات اولتراراستش را حتی "تزیین" نمی کند و ترشحات فکری ش در ستایش سناریو سیاه و تبااهی جامعه ایران، به نام فروپاشی رژیم، را پنهان نمی کند، ناشی از این حقیقت است که در عوامفریبی برای بازگشت به جنبش کمونیستی کارگری در ایران را کاملاً بر روی خود بسته می بیند! آب که از سر گذشت چه بگ و جب چه صد و جب.

اولاً ادامه جنگ و بمباران تا فروپاشی رژیم، مستقل از هر چیزی تحمیل جنگ چندین ساله به مردم ایران است و تبدیل ایران به میدان خون و جنون است. دوماً با فرض "فروپاشی جمهوری اسلامی" چنین سناریویی همراه است با جنگهای داخلی طولانی مدت با شرکت مستقیم ارتش اسرائیل و آمریکا و دولت‌های منطقه یا اتکا به نیروهای نیابتی و اجیر شده آنان، که کم هم نیستند، خواهد بود. فروپاشی که در لیبی و سوریه صورت گرفت. در چنین شرایطی سناریوی خونینی براه می افتد که آنچه در عراق، لیبی و سوریه دیدیم در مقابلش به بازی کودکانه شبیه است. جمهوری اسلامی نه حکومت صدام است و نه حکومت اسد و فدافی که یک روزه بیفتد و آب شود. در سوریه ۱۳ سال جنگ در جریان بود و نصف جمعیت آواره و مملکت ویران و صدها هزار نفر از مردم کشته شدند. آقای تقوای در حمله ناتو در سوریه و لیبی هم در دفاع از "دخالته بشر دوستانه" و عده های "شیرین" کم نمیداد!

معنی فروپاشی جمهوری اسلامی فعال شدن انواع دسته و باندهای حکومتی و دست به ماشه است که در این جامعه میجنگند و در کنار هوادارن پینتاکون و اسرائیل و همه باندهای مذهبی و قومی فعال شده و مسلح، و جب به و جب خاگ این مملکت و مردم را نابود میکنند. سرنگونی جمهوری اسلامی به این شیوه برگرداندن جامعه به عصر حجر است، چیزی که ترامپ مدعی آن است و آقای تقوایی هم هوادار آن.

سناریوی دوم و مورد دفاع تقوایی، تسلیم ایران به شرایط آمریکا است. من در صداقت تقوایی در هواداری از پینتاکون و فاشیستهای حاکم بر آمریکا و اسرائیل که در ۵۰ سال گذشته به دهها کشور بی هیچ دلیلی حمله کرده و قاتل دهها میلیون انسان محروم هستند شکی ندارم. اما آراستن این آرزوی شوم هوادار صادق ترامپ و نتانیاهو با "منافع مردم ایران، دیگر شیبای محض است.

مردم ایران به حق خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن زندگی امن تر، مرفه تر و آزاد تراند و بی تردید با پایان این جنگ، که ادامه آن عمر جمهوری اسلامی را طولانی تر و اقتدارش بر سر جامعه را تقویت کرد، شرایط را برای پیشبرد مبارزه شان برای خلاصی از جمهوری اسلامی به قدرت خود را فراهم میکند.

مردم ایران با هر درجه نفرت به حق از جمهوری اسلامی خواهان تسلیم در مقابل یک حاکمیت قلدر و جنگ طلب با رهبر روانی اش ترامپ و یا تسلیم به قصابان مردم فلسطین، نیستند. نفس دخالت اسرائیل و آمریکا، نفس ادعاها و تهدیدات و زورگویی آنان از جانب مردم شرافتمند و صلح طلب ایران و جهان محکوم است. محکومیتی که در دستگاه فکری تقوایی، نه تنها جایی ندارد که مانع رسیدن ایشان به "آرمانهای" تباہ کننده شان است.

ترامپ و نتانیاهو عاشق کارگران و زنان و محرومین جامعه ایران نیستند. آنها دنبال منافع توسعه طلبانه و سراپا ارتجاعی و ضد انسانی خود هستند. مردم ایران آزادیخواه تر، انسان دوست تر، صلح جو تر از آنند که مشتی پروپاگاند و جعلیات دست چندم ماشین جنگی اسرائیل و مشتی جنایتکار را به نام آنها از تقوایی و حزیش قبول کنند.

ادعاهای تقوایی در مورد مردم ایران، دهن کجی بی شرمانه و توهین و اهانت به شعور مردم ایران است. مردم ایران فرمایشات شنیع تقوایی، به عنوان هوادار پیگیر جناح جنگ طلب دولت ترامپ و نتانیاهو، را به عنوان جریان سناریوی سیاهی و مرتجع فراموش نخواهند کرد و از تقوایی و حزیش انتظار بیشتری نداشته و ندارند. در جدال با جمهوری اسلامی، در جدال با دشمن مشترک، همه با هم نیستند! همانگونه که امروز بیش از پیش برای همه روشن شده است. ما همیشه تاکید کرده ایم که متحد و منسجم و تقویت کردن صف دوستان مردم، مستلزم افشا دوستان دروغین آنها است.

حمله به ایران و جنگی که دو دولت جنگ طلب اسرائیل و آمریکا تحمیل کرده اند، مستقل از عواقب مخرب آن برای مردم ایران، منطقه و جهان، صفوف دوستان و دشمنان مردم را بدون پرده به نمایش گذاشت. تلاش چندین ساله ما، برای بیان حقایق در مورد احزاب و جریان و گروههای سیاسی ایران، در مورد ظرفیتهای ارتجاعی و ضد انسانی و سناریوی سیاهی بخشی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی، اکنون در دل جنگ پر مخاطره کنونی توسط این جریانات امثال مجاهد، جریان رضایهلوی، جریان عبدالله مهتدی، پژاک و پاک، النصر، جیش عدل و حزب آقای تقوایی، به روشنی بیان میشود. ما هم بر همین اساس آنها را در لیست شوم جنگ طلبان و مشتاقان به خون کشیدن جامعه ایران گذاشته ایم.

۹ آوریل ۲۰۲۶

برای آزادی و برابری به حزب حکمتیست پیوندید

شرایط جنگی و جوخه های مرگ

ارباب، دستگیری های وسیع، بستن بیشتر دریاچه اختناق و برراه انداختن جوخه های اعدام علیه مردم ایران فراهم کرد. تا جایی که اژه ای بیشرمانه جرات میکند که به گسترده تر کردن بساط اعدام ها، حکم بدهد. کسی که تحت فشار جنبش های اعتراضی مردمی، زنان و کارگران، تا پیش از جنگ کمتر جرات نمایش خود در انظار عمومی را میداد!

جنگ و فضای جنگی، کشتار و خانه خرابی، آوارگی و ترس از مرگ و نابودی برای مردم ایران، همراه خود علاوه بر دستگیر های وسیع با ادعای همکاری و تبلیغ برای آمریکا و اسرائیل و عوامل آنها، اعدامهای بی محاکمه و تسریع کشتار و جنایت در زندانها علیه مردم مخالف جمهوری اسلامی به ارمغان آورده است.

علیرغم مصائب جنگ برای ۹۰ میلیون انسان، حاکمان جنایتکار بر جامعه ایران، ترس از دشمن اصلی خود، ترس از اعتراضات همه جانبه طبقه کارگر، زنان و جوانان انقلابی و مردم محکوم به فقر، بی حقوقی، استبداد و زن ستیزی را حتی در این دوره پر تنش و پر مخاطره و زمانی که مردم ایران زیر بمب شب و روز میکنند، را فراموش نمی کنند. نه تنها آن را فراموش نمی کنند و سر "آشتی" با مردم ایران ندارند، که برعکس فضای جنگی را بعنوان "برکت" و مناسب ترین شرایط برای تعرض به مردم، برای بازپس گرفتن همه دستاوردهای مبارزاتی شان، برای ساکت نگاه داشتن جامعه ای که علیه ش پیاخوخته بود، و برای بستن هرچه بیشتر دروازه های اختناق، مورد بیشترین استفاده ها قرار میدهند.

اعدام های روزهای اخیر به جرم «همکاری» با اسرائیل و آمریکا و رسانه های آنها، دستور رئیس جلاّد قوّه قضائیه حکومت، اژه ای، برای تسریع در صادر کردن مجازات و تشدید آن علیه زندانیان و در حقیقت تسریع اعدامها و احکام سنگین به مخالفین خود، بیان همین حقیقت است.

در منظر «عدالت» جمهوری اسلامی ایران، همواره و این روزها و بر اثر «برکات جنگ» کافی است هر جوان عاصی، کارگر، شهروند، زن و دختر مخالفی که بر اثر «توهم» و از سر استیصال، به خاطر حملات نظامی به ایران به نوعی «ابراز شادمانی» کرده باشد و یا عکس و فیلمی از حملات گرفته و توسط تنها رسانه های در دسترس خود منتشر کرده باشد، دشمن و جاسوس است و مستوجب دستگیری، زندان و شکنجه، مصادره اموال و حتی اعدام است! داعیه های حکومت علیه دستگیرشدگان و قربانیان شکنجه، و احکام جزایی علیه آنها را نباید پذیرفت!

اعدام هر انسانی جنایتی سنگین علیه جامعه است. افزایش اعدام ها و فعال کردن دستگاه کشتار، تهدید و ارعاب و حکم صادر کردن برای مخالفین در زندانها، بی حقوقی مطلق زندانیان از حق وکالت تا امکان دفاع از خود، بی اطلاعی جامعه و خانواده زندانیان از وضعیت عزیزان خود در زندان ها، از زمره جنایات جنگی علیه مردم ایران و حقوق اولیه انسان است و باید علیه آن ایستاد.

امروز به بهانه جنگ و جاسوسی یا همکاری برای اسرائیل و آمریکا و با علم به نفرت عمیق و بر حق مردم ایران از اسرائیل- آمریکا و جنایات آنها در ایران و منطقه، جمهوری اسلامی دست به اعدام و گرفتن حق زندگی آدمها میزند و عملاً ترس و رعب را بر جامعه وارد میکند تا شرایطی ایجاد کند که فردا طناب اعدام را به نام «امنیت» کشور و با پروندسازی های رایج خود، همیشه برفراز سر جامعه بالا نگاه دارد. به این امید که بتواند پایه های لرزان «عدالت» انتقامجویانه اسلامی خود را، بازسازی کند. تا بتواند به بهانه جنگ و «امنیت» دست به هر توحشی علیه مخالفین سیاسی خود، علیه معترضین و هر کسی بزند که برای آزادی و امنیت و زندگی انسانی در مقابلشان می ایستند.

نباید گذشت زیر سایه جنگ جنایتکارانه کنونی، که قربانیانش را اساساً از مردم محروم میگیرد، جمهوری اسلامی نیز به نام مقابله با دشمن خارجی فرصتی پیدا کند تا فضای ترس و رعب را با عریه کشی های وطن پرستانه و اسلامی و ... ، با اعدام زندانیان سیاسی و مخالفین خود بر مردم ایران حاکم کند.

حزب حکمتیست(خط رسمی)

۷ آوریل ۲۰۲۶

امان کفا

انتقام دولت فاشیست اسرائیل

آن خانه و کاشانه مردمی، زیر بمبهای چند صد تنی اسرائیل با خاک یکسان شدند.

در حالیکه درجه خشونت دولت اسرائیل وجدان بشریت متمدن در سراسر دنیا را برانگیخت، فاشیسم حاکم در اسرائیل این حمله را ادامه "دفاع از خود اسرائیل" و تصمیم گیری در مورد ادامه این جنگ را "حق" خود معرفی کرد. و نتانیاهو با نهایت وقاحت در توجیه این جنایت اعلام داشت که "لبنان شامل مذاکرات اسلام آباد نیست"! ادعایی که علیرغم اسناد موجود و اظهارات نخست وزیر پاکستان بلافاصله توسط دولت امریکا و جی دی ونس تکرار شد و یکبار دیگر بر جنایت و کشتار دولت فاشیست اسرائیل کلاه شرعی گذاشته شد.

پوچی ادعاهای دولت اسرائیل در مورد حزب الله و "هدف قراردادن مراکز آن"، همچون نسل کشی در غزه تحت نام "جنگ با حماس"، امروز پس از بیش از پنج دهه لشکر کشی، جنگ های متعدد چه داخلی و چه در مرزهای لبنان، دیگر خریداری حتی در میان میدیای رسمی در غرب ندارد. بسیاری از خبرگزاری های عمده رسمی حملات اخیر اسرائیل را "انتقام جویانه"، "غیر قابل دفاع" و ... اعلام کردند. حتی سران کشورهای غربی، از استرالیا تا فرانسه و بریتانیا ضمن خواست "خویشن داری" و "کاهش تنش ها"، با دفاع از "گنجانده شدن لبنان در مذاکرات اسلام آباد" عملاً حملات اسرائیل را تلاشی برای جلوگیری از هر گونه راه حل دیپلماتیک و پایان جنگ فعلی در منطقه نشان دادند. تلاشی که حتی از منظر حامیان و پشتیبان سنتی اسرائیل، امروز دیگر نه تنها قادر به نجات اسرائیل از انزوای بین المللی نیست که منطبق با شرایط و موقعیت واقعی اسرائیل حتی از نظر نظامی هم نیست.

دولت اسرائیل پس از آخرین مذاکرات و توافقات با حزب الله در نوامبر ۲۰۲۴، همواره تعهدات خود را زیرپا گذاشته است. طی این مدت بیش از پنج هزار مورد، نقض توافقات و تعهدات توسط اسرائیل، را تنها دولت لبنان ثبت کرده است، دولتی که بیش از دول قبلی به اسرائیل نزدیک است و به خلع سلاح حزب الله متعهد شده است. علیرغم تمام توافقات و تعهدات، حملات مکرر و اشغال گری های بخشهایی از جنوب لبنان و کشتار هزاران نفر و کوچ های اجباری مردم توسط ارتش اسرائیل همچنان ادامه داشته است. در این مدت تبلیغات پرو اسرائیلی در لبنان حول "نجات مردم" لبنان از دست حزب الله روز به روز رنگ باخته تر شده است بطوریکه دیگر اسرائیل هدف از جنگ خود را از "خلع سلاح حزب الله" به "پاک سازی" لبنان از حزب الله اعلام داشت. به این ترتیب دولت اسرائیل بطور رسمی اعلام کرد که همچون غزه کشتار جمعی در لبنان را دنبال میکند.

مقابله با این سیاست، دیگر نه محدود به حزب الله و نیروهای هم جهت با آن، بلکه بخش قابل ملاحظه ای از جامعه لبنان را به دفاع از خود و مقابله همه جانبه با اسرائیل، و عدم اتکا به دولت ورشکسته لبنان را به همراه آورد. در شرایطی که نیروهای مستقل از حزب الله و دولت از قدرت اجتماعی کافی برخوردار نیستند، عملاً شکلگیری صف بزرگ اجتماعی برای مقابله با اسرائیل، امکانات بیشتری را برای حزب الله در لبنان بوجود آورده است تا بعنوان تنها نیروی مقابله با دولت فاشیست اسرائیل و جنایات آن در لبنان و غزه مردم را سازمان دهد. سیاست های دولت لبنان برای محدودیت سازی حزب الله، و حتی اخراج مستشاران سپاه قدس و مسئولین جمهوری اسلامی در لبنان، مستقل از جنبه تبلیغاتی، تاثیر بسیار کمی در واقعیت موجود داشته است. بی جهت نیست که دولت اسرائیل نیز در این دوره دولت لبنان را به مثابه نیروی اصلی و تعیین کننده برای حتی مذاکرات و توافق ها به حساب نیاورده است.

واقعیت این است که علت اصلی امکان بازسازی و گسترش نفوذ حزب الله فراتر از محدوده جنوب لبنان به به سراسر لبنان، بیش از آنکه ناشی از کمک ها و سلاح های رسیده از جمهوری اسلامی باشد، ناشی از گسترش اعتراض عمومی در این کشور علیه سیاست های نسل کشی و وحشی گیری های ارتش اسرائیل و سازشکاری دولت نرو امریکایی-اسرائیلی حاکم در لبنان بوده است. امری که نشانگر و بازتاب موقعیت منزوی و ضعیف تر اسرائیل نسبت به گذشته، از نظر سیاسی چه در منطقه و چه در بعد جهانی، در لبنان است. امروز دولت اسرائیل بدلیل شکست امریکا-اسرائیل در جنگ اخیر با ایران، اعلام آتش بس و مذاکره بدون دخالت و حضور اسرائیل، فاصله گرفتن متحدین سنتی و همپسنگی اسرائیل از آن موقعیت به شدت ضعیف تری زای پیدا کرده است. بمباران فرشی اخیر لبنان

مردم ایران، جنگ، آتش بس و مذاکره

قبول شرایط او و تسلیم ایران و یا "بازگرداندن ایران به عصر حجر"، ضرب العجل ۲۴ ساعته او برای توافق و یا "نابودی کامل تمدن" در ایران، عربده کشی هایی برای لاپوشانی شکست خود، موجی از نفرت را در میان مردم متمدن و صلح دوست جهان برانگیخت. طی این چهل روز دهها میلیون انسان در سراسر جهان با شعار "نه به جنگ"، "پایان بی قید و شرط جنگ" و "دستا از ایران کوتاه"، علیه این جنگ و عاملین آن به میدان آمدند و هیئت حاکمه امریکا و اسرائیل را زیر فشار گذاشتند. جنبشی که در جریان کشتار و نسل کشی از مردم فلسطین نیز علیه دولت فاشیست اسرائیل و حامیان و متحدین آن، جهانی را به خروش آورد.

قبول آتش بس توسط دولت ترامپ و گردن نهادن اسرائیل به آن، معرفی هیئت مذاکره کننده امریکا به مسئولیت و انس و قرار مذاکره فوری در روز جمعه ۱۰ آوریل در اسلام آباد و با میاجگیری پاکستان، امید هر چند شکننده ای را برای پایان جنگ و کنار رفتن فضای ترس و نگرانی بر جهانیان ایجاد کرده است. حقیقت این است که علیرغم ادعاهای ترامپ مبنی بر پیروزی نظامی و پروژه "رژیم چینج"، شکست امریکا-اسرائیل در این جنگ دیگر غیر قابل لاپوشانی بود. مستقل از کارشکنی های اسرائیل، و وسیعترین حملات و بمباران بیروت درست یکروز پس از اعلام آتش بس، مستقل از ادعاهای ترامپ و کاخ سفید مبنی بر عدم قبول طرح ده ماهه ای ایران به عنوان مبنای مذاکره، امریکا در ادامه این جنگ به بن بست رسیده بود و راهی جز خاتمه جنگ، حتی بدون توافق اسرائیل و حذف اسرائیل از مذاکرات و توافقات نداشت.

آمریکا و اسرائیل که با تصور و امید جنگی کوتاه مدت و چند روزه دست به حمله نظامی و جنایت جنگی در ایران زدند، پس از ۴۰ روز نه فقط به هیچ یک از اهداف خود نرسیدند، که با موشک باران شهرهای اسرائیل توسط جمهوری اسلامی و حزب الله، حمله به پایگاههای آمریکا در منطقه توسط ایران و گروههای اسلامی متحد ایران، سرنگون شدن چندین هواپیما آمریکایی از جمله جنگنده های اف ۳۵، شکست طرح حمله به اصفهان برای خروج اورانیوم های غنی شده و نهایتاً بسته شدن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی و دامن زدن به بحران اقتصادی در جهان، شکست خورد. بهای این شکست را هزاران نفر از کودکان، زنان و مردان بیگناه در ایران با نابودی خانه و کاشانه خود، با نابودی زیرساختهای اقتصادی، اجتماعی، مدنی، پزشکی این جامعه، چندین میلیون آواره جنگی و با عقب رانده شدن جنبش آزادیخواهانه شان برای آزادی و برابری در مقابل جمهوری اسلامی پرداخت کردند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) همچنانکه تا کنون اعلام کرده است، این جنگ را جنایتی آشکار علیه مردم ایران و منطقه میدانند که قربانیان آن از هر طرف اساساً مردم بیگناه هستند. این جنگ بزرگترین لطمه را به مردم ایران در مبارزه حق طلبانه آنها علیه جمهوری اسلامی زد. پایان فوری و بی قید و شرط این جنگ، پایان تهدید های امریکا و اسرائیل و جنگ طلبی های آنان از سر مردم ایران و منطقه و جهان، خواست فوری ما و همه بشریت انساندوست و متمدن در جهان است.

علیرغم اینکه همین یکروز دولت امریکا و اسرائیل و روسای آن نشان دادند، روی قول و وعده و حرف آنان نمیتوان حساب کرد، و مستقل از زیادی خواهی ها و زورگویی ها و جنگ طلبی تا کنون آنان به عنوان عامل اصلی جنگ، اما حتی این وقفه اگر رعایت شود و دیپلماسی جای جنگ و کشتار و بمباران را بگیرد، مردم نفسی خواهند کشاند.

ما بار دیگر بر ضرورت تقویت و تشدید جنبش ضد جنگ، جنبشی که زنده در میدان است، برای پایان کامل جنگ و برای افسار کردن جنگ طلبان از هر دو طرف و مشخصاً دو دولت جنایتکار اسرائیل و امریکا و در دفاع از زندگی و آسایش و امنیت مردم ایران و منطقه تاکید میکنیم.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۰ فروردین ۱۴۰۵ - ۹ آوریل ۲۰۲۶



استیصال سران فاشیست اسرائیل از بن بست و شکستی است که با آن روبرو شده اند.

امروز، شکلگیری یک نیروی وسیع در لبنان در مقابل فاشیسم بی پرده اسرائیل، آنهم در شرایطی که مردم هر روز با وضعیت وخیم تر اقتصادی روبرو بوده اند، اوضاع متفاوتی را نسبت به گذشته در این کشور بوجود آورده است. در این شرایط موقعیت دولت لبنان به مراتب شکننده تر از سابق است و هرگونه به رسمیت شناختن خود، حتی به شکل صوری، را به شدت سخت تر کرده است. به همین دلیل پاسخ مثبت امروز نتانیاهو به درخواست رئیس جمهور لبنان، و شناختن دولت لبنان به مثابه طرف مذاکره با دولت اسرائیل، تنها نشانگر همین موقعیت شکننده دولت لبنان است. اسرائیل با دولت لبنان مذاکره می کند، و حتما بدون هیچ مشکلی به توافق هم خواهند رسید، اما این توافقات نه تغییری در غیر ممکن بودن خلع سلاح حزب الله و پاکسازی آن توسط دولت لبنان خواهد داد و نه تغییری در موقعیت اسرائیل در منطقه! حملات گسترده اسرائیل و تلاش در ساختن غزه ای دیگر در لبنان، بیانگر شکست دولت اسرائیل در کسب موقعیت هژمون در منطقه است.

در حال حاضر اسرائیل، دولتی که با پرونده ای قطور از جنایت نشان داده است که هیچ ابایی از دست زدن به هر جنایتی برای حفظ حکومت فاشیستی خود ندارد، در موقعیت بمراتب ضعیف تری نسبت به گذشته قرار دارد. موقعیتی که در عین حال آنرا به نیرویی غیر قابل کنترل و خطرناک بدل کرده است. صف بندی علیه این حکومت، مقابله با فاشیسم عربی حاکم در اسرائیل، از این منظر نیز، امری عاجل برای نه تنها لبنان، بلکه کل منطقه است.

کارگران کمونیست

حزب حکمتیست (خط رسمی)، سنگر

اتحاد طبقاتی و تشکل حزبی شما

است.

به این حزب بپیوندید!



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سردبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com



صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist_official_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist.ol

سردبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

انقلاب کارگری انقلابی از سر فقر و استیصال و ناچاری اوضاع کارگران نیست. انقلابی مبتنی بر آگاهی و آمادگی مادی و معنوی طبقه کارگر است. هرچه توده مردم کارگر از آزادی های سیاسی وسیع تری برخوردار باشند، هرچه شخصیت و حرمت مردم بطور کلی و طبقه کارگر بطور اخص در جامعه تثبیت شده تر باشد، هرچه طبقه کارگر از رفاه و امنیت اقتصادی بیشتری برخوردار باشد و بطور کلی هرچه مبارزات کارگری و آزادیخواهانه موازین سیاسی و رفاهی و مدنی پیشروتری را به جامعه بورژوایی تحمیل کرده باشند، به همان درجه شرایط برای انقلاب کارگری علیه کلیت سرمایه داری آماده تر و پیروزی این انقلاب قاطعانه تر و همه جانبه تر خواهد بود. جنبش کمونیسم کارگری در صف مقدم هر مبارزه برای اصلاح موازین جامعه موجود به نفع مردم قرار دارد.

برنامه یک دنیای بهتر